

بررسی اهمیت به کارگیری سیستم کنترل‌های داخلی بر اساس چارچوب کوزو

دکتر فاطمه صراف*

عضو هیئت علمی دانشگاه

سهیل محمد حسن زاده

دانشجوی دکتری دانشگاه تهران

حسین حرآبادی فراهانی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری موسسه آموزش عالی رجاء

مریم السادات سید صالحیان

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری موسسه آموزش عالی رجاء

چکیده

کنترل غیر مستقیم عملیات سازمانی و دوری مدیران ارشد از تمامی فعالیت های واحد تجاری باعث گردیده است تا مدیریت برای انجام وظیفه مباشرتی خود، به استقرار یک سیستم اثربخش کنترل داخلی به عنوان جزئی لاینفک از سیستم مدیریت کارآمد و حاکمیت شرکتی موثر روی آورد. در هر سازمان و موسسه ای نیاز مبرم به کنترل داخلی احساس می شود و هر سازمان با توجه به نوع و سطح فعالیت خود دارای کنترل داخلی متفاوتی است. عدم وجود این کنترل ها مانع رسیدن سازمان به هدف تعیین شده می شود. برای کنترل های داخلی سیستم های متنوعی طراحی و معرفی شده‌اند که این موارد همواره دارای نقاط ضعف و قوت مخصوص به خود هستند. از نظر جامعیت، اثربخشی و گستردگی در کاربرد، مهم ترین و معروف ترین سیستم کنترل داخلی، الگوی طراحی شده توسط کمیته سازمان‌های حامی کمیسیون تردوی، ملقب به کوزو است. در این مقاله، با توجه به جامعیت چارچوب یکپارچه کنترل های داخلی ارائه شده کوزو، به بررسی اهمیت به کارگیری آن پرداخته و با مفاهیم و اصول این سیستم آشنایی بیشتری پیدا می کنیم.

کلمات کلیدی: کنترل داخلی، کوزو، ریسک سازمانی، چارچوب کنترل داخلی

مقدمه

تولد کنترل های داخلی^۱، از زمانی است که نیاز به هدایت و نظارت بر فعالیت ها و عملیات های شرکت، جهت حصول اطمینان از تحقق اهداف شرکت به وجود آمد. در واقع کنترل داخلی، سیستمی پویا است که انواع و اقسام ریسک ها و تهدید ها و انحراف از سیاست ها و رویه ها را پوشش می دهد [۶]. تعریفی دیگر از مفهوم کنترل داخلی عبارت است از فرایندی که بوسیله هیئت مدیره و مدیران و سایر کارکنان برای کسب اطمینان قابل قبول برای دستیابی به اهداف سازمانی مرتبط به گزارشگری^۲، عملیات^۳ و رعایت^۴ (تطبیق) طراحی شده است [۸]. هر شرکت با توجه به ماهیت و ویژگی های عملیاتی خود، دارای کنترل های داخلی متفاوت از سایرین می باشد [۱۳]. همچنین با توجه به اهمیت کنونی حاکمیت شرکتی^۵ یا همان مجموعه سازو کارهای کنترل درونی و برونی در خلق ارزش برای همه ی گروه های ذینفع، نقش حسابرسی داخلی به عنوان یکی از سازو کار های درون سازمانی، از اهمیت زیادی برخوردار است.

کنترلی داخلی به تعبیری قلب سازمان است. این کنترل ها جنبه مدیریتی داشته و موجب ارزش افزوده برای شرکت می شوند. از آنجا که سازمان ها، عمدتاً از کنترل ناراضی بوده و رغبتی به زیر نظر داشتن فعالیت هایشان و نظارت و کنترل فعالیت های خود ندارند، توجیه ذکر شده می تواند مفید باشد. حسابرسان داخلی، آناتومی این قلب (کنترل داخلی) را درک کرده و به دنبال کنترل های اثربخش برای کارایی و ارزیابی آن هستند. همچنین می توان گفت که حاکمیت شرکتی، ریسک و حسابرسی داخلی به ترتیب پدر بزرگ، پدر و فرزند کنترل هستند. در واقع این سه مقوله همیشه همراه مفهوم کنترل در سازمان هستند. به بیانی دیگر، سیستم کنترل های داخلی، تحت تاثیر افراد در سازمان است و عکس قضیه نیز صادق است [۱۱].

-
- 1- Internal control
 - 2- Reporting
 - 3- Operations
 - 4- Compliance
 - 5- Corporate governance

براساس اصول حاکمیت شرکتی خوب، حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی در عملیات یک سازمان بسیار مهم هستند، به گونه ای که به مدیریت درباره عملکرد منظم و کافی کنترل داخلی، رفع نواقص، نقاط ضعف و افزایش کارآمدی عملیات اطمینان می دهد. جهت دستیابی به یک سیستم کامل در نظارت و موازنه، دفتر کنترل داخلی به طور مستقیم به کمیته حسابرسی گزارش می دهد [۱۲].

مراجع حرفه ای برای پاسخگویی به نیاز سازمان ها در حوزه کنترل های داخلی و ایجاد یکنواختی و هماهنگی، مبادرت به انتشار چارچوب های کنترل داخلی نموده اند [۲]. چارچوب های مذکور، بدنه و ساختار و اصول راهبردی است که قالب و الگویی را برای سازمان ها ارائه می دهد تا بتوانند بر اساس آن ها ساختار، فرایند، یا محیط و یا گروهی از فعالیت ها و روش های خاص خود را از ابعاد کفایت، طراحی و اجرای موثر و کارآمد کنترل ها، مورد شناخت و ارزیابی قرار دهند [۲].

ارائه تعریفی از کوزو

با توجه به اهمیت کشف تقلب و فساد های پیش از سال ۱۹۹۰، آقای تردوی^۶ مامور پیگیری و یافتن عوامل موثر بر این نا به هنجاری شد. وی کنترل های داخلی ناکارآمد و غیر موثر را به عنوان عامل اصلی این تقلب ها شناخت. علت نام گذاری کمیته سازمان های حامی کمیسیون تردوی^۷ (کوزو) به این علت بوده است که وی بعداً با تشکیل یک کمیته، تحت حمایت پنج نهاد حرفه ای، انجمن حسابداران آمریکا^۸، انجمن حسابداران خبره عمومی آمریکا^۹، انجمن مدیران مالی بین المللی^{۱۰}، انجمن حسابداران مدیریت^{۱۱} و انجمن حسابرسان داخلی^{۱۲} قرار گرفت و ریاست آن را بر عهده گرفت. در واقع کوزو، سازمانی است که در سال ۱۹۸۵ برای

6- James C. Treadway

7- Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission

8- The American Accounting Association

9- The American Institute of Certified Public Accountants

10- Financial Executives International

11- The Institute of Management Accountants

12-The Institute of Internal Auditors

حمایت از کمیسیون ملی برای پیشگیری از گزارشگری مالی متقلبانه^{۱۳} تشکیل شد. این سازمان متعلق به بخش خصوصی بوده و راهنمایی های لازم را جهت بکارگیری عوامل مختلف برای جلوگیری از تقلبات گزارشگری مالی ارائه می کند. همچنین سازمان مذکور توصیه هایی برای شرکت های سهامی عام و حسابرسان مستقل آن، برای کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC)^{۱۴} و سایر قانون گذاران در این حوزه و نیز برای موسسات آموزشی منتشر می کند^{۱۵}. مضافاً اولین چارچوب یکپارچه کنترل داخلی تهیه شده توسط کوزو در سال ۱۹۹۲ منتشر شد. ده سال بعد از انتشار این چارچوب، پیام قانون ساربنز آکسلی^{۱۶}، به طور خاص بر روی اهمیت برقراری کنترل های داخلی شکل گرفت. این قانون نه تنها سازمان ها را به ایجاد و حفظ کنترل های داخلی موثر بر گزارشگری مالی ملزم نمود، بلکه مدیران و حسابرسان مستقل را به ارزیابی و گزارش اثر بخشی این کنترل ها ملزم کرد. در ایران نیز به موجب دستورالعمل کنترل های داخلی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران که در تاریخ ۱۶ اردیبهشت سال ۱۳۹۱ به تصویب رسید، هیات مدیره شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران مکلف به استقرار و به کارگیری کنترل های داخلی مناسب و اثربخش گردیدند و این که باید نتایج کنترل داخلی را در گزارشی با عنوان "گزارش کنترل های داخلی" درج کنند [۱]. حسابرسان مستقل این شرکت ها نیز موظف شدند در گزارش خود به مجمع عمومی صاحبان سهام، در مورد استقرار و به کارگیری سیستم کنترل های داخلی اثربخش اظهار نظر کنند. شرکت های بورسی و فرابورسی که سال مالی آنها منتهی به پایان اسفندماه ۱۳۹۱ و پس از آن است، ملزم به رعایت و اجرای این دستورالعمل شدند و باید علاوه بر صورت های مالی و گزارش هیات مدیره به مجمع عمومی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت، گزارش کنترل های داخلی را نیز ارائه کنند.

13- The National Commission on Fraudulent Financial Reporting

14- Securities and Exchange Commission

15- [Http://www.coso.org/aboutus.htm](http://www.coso.org/aboutus.htm)

16- Sarbanes-Oxley Act (SOX)

چارچوب کوزو به عنوان راهنمای کنترل داخلی، به صورت گسترده ای توسط هیئت مدیران شرکت ها و محافل حرفه ای در سراسر دنیا مورد استفاده قرار گرفته و در طراحی، اجرا و ارزیابی کنترل های داخلی به کار گرفته شد. در حسابرسی مستقل نیز، شناخت کنترل های داخلی امری ضروری و محتوم است. این شناخت برای شناسایی انواع تحریف های بالقوه، بررسی عوامل موثر بر خطر وقوع تحریف های با اهمیت و طراحی آزمون های محتوا مورد استفاده قرار می گیرد [۳]. می توان گفت به رغم وجود چارچوب های در دسترس دیگر، حرفه حسابداری، چارچوب یکپارچه کنترل های داخلی ارائه شده توسط COSO را با توجه به بهنگام بودن آن از جهت در نظر گرفتن چارچوبی برای مفاهیم اصلی در مورد طراحی، اجرا و انجام کنترل های داخلی و ارزیابی اثربخشی آن، بیشتر از بقیه قبول دارد. همچنین طی به روز رسانی های متعدد، که آخرین تغییرات آن با هدایت موسسه حسابرسی PWC^{۱۷} انجام شده و در ماه می سال ۲۰۱۳ منتشر شد، تغییرات واحدهای عملیاتی و تجاری و همچنین محیطی که در آنها فعالیت میکنند را مورد پوشش قرار داده است. در واقع، پس از نزدیک به بیست سال از زمان شکل گیری چارچوب اصلی، کسب و کار و محیط های عملیاتی به طور چشمگیری تغییر کرده و پیچیده تر شده، فن آوری نقش پر رنگ تری پیدا کرده و به سوی جهانی شدن حرکت کرده است. در چنین زمانی، سهامداران به دنبال شفافیت و پاسخگویی بیشتر در جهت یکپارچگی سیستم های کنترل داخلی حمایت کننده ی تصمیم گیری های تجاری و اداره امور سازمان هستند. سایر ارتقاء و به روز رسانی های چارچوب، کاربر را در موارد زیر یاری می رسانند [۸]:

- انتظارات نظارت بر عملیات سازمان.
- جهانی شدن بازارها و عملیات.
- تغییرات در مدل های کسب و کار.
- تقاضا و پیچیدگی های قوانین، اصول، مقررات و استانداردها.

17- Price, Waterhouse and coopers

• انتظارات برای توانمندی ها و پاسخگویی^{۱۸} افراد.

• استفاده از فن آوری های در حال پیشرفت.

• انتظارات مربوط به پیشگیری و شناسایی فساد و تقلب^{۱۹}.

به تعبیری جالب، بیل اشنايدر^{۲۰}، مدير حسابداری و عضو شورای مشورتی COSO، در گفت و گو با AICPA به این مطلب اشاره کرده است و یادآور شده است که: "مطلبی که 20 سال بدون هرگونه تجدید نظر باقی مانده باشد به نظر، بسیار شگفت انگیز است!"^{۲۱} یعنی در واقع وی به اهمیت لزوم تجدید نظر در متون بر اثر گذشت زمان تاکید دارد. هیات نظارت بر حسابداری شرکت های سهامی عام^{۲۲}، به صراحت اشاره به چارچوب COSO به عنوان معیاری مناسب جهت استفاده در هنگام ارزیابی کنترل های داخلی به عنوان حسابرسی کنترل های داخلی که پیش از گزارشگری مالی همراه با حسابرسی مالی انجام می شوند، کرده است.

بر اساس آخرین چارچوب منتشر شده، دوران انتقال برای آن تا تاریخ ۱۵ دسامبر ۲۰۱۴ در نظر گرفته شده است^{۲۳} و شامل چهار جلد به شرح زیر است [۱۱]:

- ۱ - خلاصه اجرایی^{۲۴}، که موارد نتیجه گیری کلی گزارش را مشخص می کند.
- ۲ - چارچوب، که حاوی تعاریف اصلی و معیارهای دستیابی به کنترل داخلی موثر است.
- ۳ - کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی، که راهنمایی های جدیدی برای گزارشگری عمومی اثربخش سیستم های کنترل داخلی ارائه می کند و
- ۴ - ابزارهای ارزیابی^{۲۵}، که ابزارهایی در جهت ارزیابی اثربخشی سیستمهای کنترل داخلی معرفی می کند.

18- Accountability

19- Corruption

20- Bill Schneider

21- www.aicpa.org/interestareas/frc/accountingfinancialreporting/pages/cosoupdatedinternalcontrolframework.aspx

22- Public Company Accounting Oversight Board(PCAOB)

23- FAQ OF COSO 2013

www.coso.org/documents/COSO%20Release%20March%202013.pdf

24- Executive summary

اهداف و اجزای کنترل های داخلی یکپارچه

کوزو، اهداف و اجزای کنترل های داخلی یکپارچه چارچوب کنترل های داخلی را اینگونه تعریف می کند که کنترل های داخلی فرایندی است که متاثر از هیئت مدیره، مدیران و سایر پرسنل می باشد، که برای اطمینان معقول از دستیابی به اهداف مقوله های زیر طراحی شده است:

۱ - اثربخشی و کارایی عملیات

۲ - قابلیت اطمینان گزارش های مالی و

۳ - انطباق با قوانین و مقررات

این سه هدف به طور مستقیم با پنج جزء یکپارچه محیط کنترل^{۲۶}، ارزیابی ریسک^{۲۷}،



روش های کنترلی^{۲۸}، اطلاعات و ارتباطات^{۲۹}، و نظارت^{۳۰} مرتبط هستند.

اهداف، آنچه را که سازمان می خواهد به آن برسد و اجزا آنچه را که برای رسیدن به این اهداف مورد نیاز است، مشخص می کند. در شکل شماره ۱، مکعب ارائه شده، رابطه بین سه هدف و پنج جزء و بعد سوم آن، ساختار

-
- 25- Evaluation tools
 - 26- Control environment
 - 27- Risk assessment
 - 28- Control procedures
 - 29- Information and communication
 - 30- Monitoring

سازمان را نشان می دهد. این معکب چارچوب کنترل داخلی کوزو را تداعی می کند. در نظر داشته باشید سازمان های متفاوت، نایستی یک نوع سیستم کنترل های داخلی داشته باشند.

شکل شماره ۱: مکعب کوزو [۸]



اصول کنترل های داخلی

اصول چارچوب کنترل های داخلی شامل ۱۷ مورد می باشد که در طراحی، پیاده سازی و ارزیابی اثر بخشی کنترل های داخلی بحث کرده است. این اصول به طور خاص به هر یک از اجزاء ذکر شده در فوق مربوط هستند. بنابراین، هر یک اگر اصل مربوطه کارآمد نباشند، فرض بر است که جزء مربوط به آن نیز

کارآمد نیست. به عبارتی دیگر، می توان اجزای کوزو را به یک ویلا یا منزل تشبیه کرد. بدین صورت که زمین آن، محیط کنترلی است. سقف آن فعالیت های نظارتی و درون آن دو جزء شامل ارزیابی ریسک و فعالیت های کنترلی است. از طرفی، اطراف این منزل، اطلاعات و ارتباطات قرار گرفته است. شکل شماره ۲ نمایی از اجزای اصلی کوزو است. در ادامه به شرح اجزای کوزو (شامل ۵ جزء) و اصول مربوط به هر یک خواهیم پرداخت.

شکل شماره ۲: نمایی برای اجزای اصلی کوزو

محیط کنترلی

محیط کنترلی مجموعه ای از استانداردها، فرآیندها و ساختارها و همچنین پایه و اساس کنترل داخلی در سازمانها است. پنج اصل زیر مربوط به این جزء هستند:

اصل اول: سازمان نشان دهنده تعهد به صداقت و ارزش های اخلاقی است. بنابراین اقدامات مدیریت و هیئت مدیره باید تقویت کننده این تعهدات باشند. استانداردهای رفتاری باید معرف انتظارات و ارزش های اخلاقی بوده و به وضوح قابل درک باشند. این انتظارات باید در زمان وقوع مورد بررسی قرار گرفته و برای ارزیابی عملکرد واقعی با مورد انتظار و تعیین هر گونه انحراف محاسبه و به موقع اصلاح شوند.

اصل دوم: هیئت مدیره نشان دهنده استقلال مدیریت و اعمال نظارت بر توسعه و عملکرد کنترل های داخلی است. در واقع، هیئت مدیره باید ضمن قبول مسئولیت نظارتی خود، مهارت ها و تخصص های مورد نیاز جهت مسئولیت پاسخگویی^{۳۱} مناسب را تعیین و حفظ کرده و همچنین ارزیابی دوره ای این مهارت ها را انجام دهد.

اصل سوم: اقدامات مدیریت بایستی با نظارت هیئت مدیره و ساختار و روش های گزارشگری مناسب در دستیابی به اهداف باشند. مدیریت و هیئت مدیره همچنین بایستی ساختارهای چندگانه ای برای حمایت از دستیابی به اهداف را در نظر داشته باشند (به عنوان مثال واحدهای عملیاتی متفاوت و ارائه دهندگان خدمات برون سپاری^{۳۲}). مضافاً باید تفویض اختیارات، تعیین مسئولیت ها و استفاده مناسب از فرآیندها و تکنولوژی ها را به گونه ای انجام دهند که پاسخگویی ذینفعان مختلف باشد.

31- Accountability

32- Outsourcing

اصل چهارم: سازمان، متعهد به جذب، توسعه توانایی ها و حفظ افراد با صلاحیت در جهت رسیدن به اهداف مورد نظر است. هیئت مدیره و مدیریت باید صلاحیت حرفه ای پرسنل را در سطوح مختلف سازمان و از جمله ارائه دهندگان خدمات برون سپاری را ارزیابی کند. بایستی نظارت و آموزش کافی در این زمینه ها صورت پذیرد.

اصل پنجم: سازمان، دارای افراد پاسخگو^{۳۳} جهت مسئولیت شناسی های^{۳۴} کنترل داخلی در جهت رسیدن به اهداف کنترل های داخلی است [۹]. مدیریت و هیئت مدیره باید مکانیسمی برای حفظ اشخاص پاسخگو ایجاد کنند. آنها همچنین باید اقدامات اصلاحی و ارزیابی مناسب عملکرد را جهت اعطای مشوق ها و یا پاداش های دیگر انجام دهند. مشوق ها و پاداش ها باید هم تراز با پاسخگویی مد نظر کنترل داخلی باشند. مدیریت و هیئت مدیره باید پاسخگویی افراد را ارزیابی و اندازه گیری عملکرد آنها را گسترش دهد. آنها همچنین باید عملکرد پاسخگویی کنترل داخلی را به منظور پاداش یا اعمال اقدامات انضباطی مناسب ارزیابی کنند [۹]. قابل ذکر است که در به روز رسانی ها، اساس و پایه متون، همان چارچوب اولیه است که در سال ۱۹۹۲ منتشر شده است. به صورتی گذرا در چارچوب به روز شده سال ۲۰۱۳، نقش عامل "پاسخگویی" در بخش محیط کنترلی پررنگ تر شده است.

ارزیابی ریسک

فرآیندی پویا و تکرار شونده جهت شناسایی و تجزیه و تحلیل خطرات و ریسک های موجود در مسیر دستیابی به اهداف سازمان است. ریسک را می توان به عنوان انواع وقایع (رویدادها) یا شرایطی که ممکن است سازمان را از رسیدن به اهدافش باز دارد، تعریف نمود [۴]. اصول زیر مربوط به این بخش هستند:

اصل ششم: سازمان، اهداف را با وضوح کافی برای توانایی شناسایی و ارزیابی خطرات مربوط به اهداف تعیین می کند. این اهداف مربوط به عملیات ها، گزارشگری و رعایت قوانین بوده و

33-Accountable

34-Responsibilities

منعکس کننده تصمیمات مدیریت در مورد ساختار، ملاحظات صنعت، و عملکرد سازمانی است.

اصل هفتم: سازمان، بایستی خطرات دستیابی به اهداف خود را در سراسر سازمان شناسایی کرده و تجزیه و تحلیل این ریسک ها را به عنوان یک اساس برای تعیین چگونگی مدیریت آنها، مورد توجه قرار دهد. سازمان باید هر دوی عوامل داخلی و خارجی را در زمان که شناسایی خطرات در نظر گرفته و در مکانیسم های ارزیابی ریسک در سطوح مناسب مد نظر مدیریت، پیاده سازی کند. سطوح مذکور، شامل سازمان به طور کلی، شرکت های فرعی، بخش ها و واحدهای عملیاتی است. بخش مهم فرآیند ارزیابی ریسک، شامل "برآورد اهمیت بالقوه خطر و مدیریت آن" است.

اصل هشتم: سازمان، بایستی تقلب بالقوه در ارزیابی ریسک دستیابی به اهداف را در نظر گیرد. انواع تقلب به صورت کلی در سه مقوله فساد مالی^{۳۵}، سوء استفاده از دارایی ها^{۳۶} و تقلب در گزارشگری مالی^{۳۷} می باشد^{۳۸}.

اصل نهم: سازمان، تغییراتی را که می تواند تاثیر قابل توجهی بر سیستم کنترل داخلی داشته باشند، شناسایی و ارزیابی می کند. این تغییرات عبارتند از: محیط خارجی، مدل کسب و کار و رهبری^{۳۹}. عوامل محیط خارجی شامل نظارت ها و بازرسی ها، عوامل اقتصادی و محیطی است. مدل کسب و کار، مدلی است که موجب تغییرات در راه اندازی خطوط جدید کسب و کار، تحول در خطوط کسب و کار موجود، تحصیل و یا واگذاری عملیات کسب و کار، رشد سریع و فن آوری های جدید شود. در نهایت، رهبری، نگرش مدیریت در مورد کنترل داخلی است.

35- Corruption

36- Loss of assets

37- Fraudulent reporting

۳۸- سومین کنفرانس سالانه پیشگیری از تقلب و سو استفاده های مالی، تقی نتاج،

39- leadership

در بخش ارزیابی ریسک ممکن است بازنگری در کنترل های داخلی ضرورت یابد تا بدینوسیله ریسک های جدید یا ریسک هایی که پیش از این جزء ریسک های غیر قابل کنترل قلمداد شده اند، به شیوهای مناسب مورد بررسی قرار گیرند [۵]. مضافاً لازم به ذکر است در چارچوب جدید، خطر ذاتی و خطر تقلب (دستکاری) نقش مهمی تری در ارزیابی ریسک ایفا می کنند و روند ارزیابی ریسک که شامل شناسایی ریسک، تحلیل ریسک و واکنش به آن است به طور مفصل تری مورد تاکید قرار گرفته است.

فعالیت های کنترلی

این فعالیت ها شامل اقداماتی است که توسط سیاست ها و روشهای سازمان برای کمک به حصول اطمینان از اجرا شدن دستورات مدیریت که در جهت کاهش خطرات در مسیر دستیابی به اهداف می باشند، ایجاد می شوند. فعالیت های کنترلی در تمام سطوح سازمان، در سراسر محیط فن آوری و تکنولوژی آن و در فرآیندهای مختلف کسب و کار صورت خواهد پذیرفت. فعالیت های کنترلی هر شرکت باید متناسب با اهداف عملیاتی، گزارشگری مالی و رعایتی آن باشد. هر چند که این فعالیت ها باید بسته به اندازه، نوع عملیات، اهداف و شرایط هر شرکت طراحی و پیاده سازی شوند، اما فعالیت های کنترلی هر شرکت باید علاوه بر کنترل های عمومی و کاربردی حاکم بر سامانه های اطلاعاتی، دربرگیرنده و مبتنی بر اصول روبه رو نیز باشند: بررسی های مدیریت ارشد، مدیریت مستقیم فعالیت ها و کارکردها، کنترل های اعتبار و پردازش معاملات، کنترل های فیزیکی، شاخص های عملکرد، تفکیک وظایف، خط مشی ها و رویه ها، سایر فعالیت های کنترلی و مستندسازی (دستورالعمل کنترل های داخلی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، ۱۳۹۱). سه اصل زیر مربوط به بخش فعالیت های کنترلی می باشند:

اصل دهم: سازمان، بایستی ضمن مد نظر قرار دادن تاثیر عوامل محیطی، عملیاتی و ویژگی های خاص سازمان، فعالیت های کنترلی را انتخاب کرده و توسعه دهد که به کاهش خطرات دستیابی به اهداف به سطح قابل قبول کمک کند. به این منظور، باید ترکیبی از انواع فعالیت

های کنترلی جهت این بکار گرفته شود. فعالیت های کنترلی می توانند دستی و خودکار [۱۰] و همچنین به عنوان عاملی بازدارنده و نظارتی باشند.

اصل یازدهم: سازمان، باید فن آوری و تکنولوژی فعالیت های کنترلی را برای حمایت از دستیابی به اهداف انتخاب کرده و توسعه دهد. مدیریت بایستی فن آوری فعالیت های کنترلی طراحی شده برای کمک به اطمینان از کامل بودن، دقیق بودن و در دسترس بودن فرآیند آن و مضافاً برای محدود کردن دسترسی کاربران مجاز متناسب با مسئولیت های شغلی خود به منظور محافظت از دارایی ها از تهدیدات خارجی و همچنین برای ارائه کنترل هایی بر تحصیل، توسعه، و حفظ فن آوری را توسعه دهد.

اصل دوازدهم: سازمان، بایستی فعالیت های کنترلی را از طریق ایجاد سیاست های واکنش به اتفاقات مورد انتظار و روش هایی که این سیاست ها را عملی میکنند، مستقر کند. فعالیت های کنترلی مذکور، باید به موقع انجام شده و هر گونه اقدامات اصلاحی در صورت لزوم اجرا شوند. در نهایت، مدیریت باید به صورت دوره ای فعالیت های کنترلی را به منظور تداوم آنها بررسی کرده و در صورت لزوم آنها را اصلاح و به روز کند. می توان گفت در چارچوب جدید به طور کامل در مورد روابط بین فعالیت های کنترلی و ارزیابی ریسک، فعالیت های کنترلی در سطوح مختلف سازمان، کنترل های پیشگیرانه در مقابل بازرسی، فن آوری و مفاهیم مرتبط، بحث شده است.

اطلاعات و ارتباطات

در واقع، اهداف کنترلی این بخش شامل اطمینان از این است که آیا اطلاعات به وسیله سیستم های اطلاعاتی شناسایی، گرد آوری، پردازش و گزارش می شود و اینکه ارتباطات اثربخشی در سراسر سازمان و با اشخاص برون سازمانی برقرار می شود یا خیر (پرسشنامه ارزیابی کنترل های داخلی مربوط به اطلاعات و ارتباطات سازمان بورس و اوراق بهادار ایران-ص ۱). اطلاعات و ارتباطات برای یک سازمان جهت انجام مسئولیت پذیری کنترل های داخلی حمایت کننده اهداف، ضروری است. چارچوب به روز شده شرح مفصل تری از انواع

تکنیک های کنترلی و چگونگی دسته بندی آنها فراهم می کند. ارتباطات به صورت درون سازمانی و برون سازمانی، اطلاعات مورد نیاز برای انجام فعالیت های روزمره کنترل داخلی سازمان را فراهم می کنند. ارتباطات، کارکنان را قادر به درک مسئولیت پذیری های کنترل داخلی و اهمیت آن ها می کند. می توان گفت ارتباطات، فرایندی پیوسته و مکرر شامل فراهم سازی، به اشتراک گذاری و کسب اطلاعات لازم می باشد. همچنین کارکنان بایستی اطلاعات خارجی و با اهمیت در تصمیم گیری را با توصیه هایی که از بالادستی ها می شود، درک کنند [۷]. اصول زیر مربوط به این بخش هستند:

اصل سیزدهم: سازمان، بایستی اطلاعات مربوط و با کیفیت مورد نیاز در جهت حمایت از عملکرد کنترل داخلی را به دست آورده یا تولید کند و قادر به شناسایی اطلاعات مورد نیاز نیز باشد. سیستم های اطلاعاتی باید داده های خام بدست آمده از منابع داخلی و خارجی را ضبط، پردازش و تبدیل به اطلاعاتی به موقع، دقیق، کامل، قابل دسترس، محافظت شده و قابل اثبات کرده و به نحو مطلوبی نگه داری کنند. لازم به ذکر است که ماهیت، مقدار، و دقت اطلاعات مربوطه باید متناسب با ماهیت و ویژگی های دستیابی به اهداف مورد نظر باشند.

اصل چهاردهم: اطلاعات مرتبط داخلی سازمان، از جمله اهداف و مسئولیت پذیری های کنترل داخلی، برای حمایت از عملکرد کنترل داخلی مورد نیاز هستند. چنین ارتباطی باید شامل فرایندی در جهت انتقال اطلاعات مورد نیاز باشد. ارتباط بین مدیریت و هیئت مدیره هم نیاز به اطلاعات و کانال های ارتباطی جداگانه از جمله خطوط اطلاعاتی ویژه دارد. این کانال ها بایستی امن بوده تا از دسترسی افراد ناشناس جلوگیری به عمل آید. در نهایت، بایستی زمان بندی، مخاطبان و ماهیت این اطلاعات در تعیین روش برقراری ارتباطات مذکور، در نظر گرفته شوند.

اصل پانزدهم: سازمان، با افراد برون سازمانی در مورد مسائل مؤثر بر عملکرد کنترل داخلی در ارتباط است. ارتباطات برون سازمانی از جمله سهامداران، شرکای تجاری، مالکان، مشتریان و تحلیل گران مالی باید به موقع و مربوط باشد. کانال های ارتباطی باز باید اجازه ورود داده های دریافتی از مشتریان، مصرف کنندگان، تامین کنندگان، حسابرسان خارجی، تحلیل گران مالی

و دیگران را به سیستم اطلاعاتی بدهد. چارچوب به روز شده، نسبت به چارچوب های قبلی، ارتقاء کیفیت اطلاعات (لازم به ذکر است عوامل ارتقاء دهنده اطلاعات طبق چارچوب نظری جدید هیئت تدوین استاندارد های مالی یا FASB، شامل قابلیت مقایسه^{۴۰}، قابلیت اثبات^{۴۱}، به موقع بودن^{۴۲} و قابل فهم بودن^{۴۳} می باشند^{۴۴})، الزامات قانونی، تعامل با اشخاص ثالث، امنیت و دسترسی محدود به اطلاعات، هزینه ها و منافع به دست آوردن و مدیریت اطلاعات و همچنین پیشرفت های فن آوری را بیشتر مورد توجه قرار داده است.

نظارت بر فعالیت ها

از ارزیابی های در حال انجام، ارزیابی های جداگانه و یا ترکیبی از هر دو برای بررسی همه اجزای پنج گانه ی کنترل داخلی شامل کنترل های موثر بر اصول در هر جزء استفاده شده و این یافته ها مورد برازش قرار گرفته و هر گونه نقصی در ارتباط با زمان بندی و مسائل پیش آمده با اهمیت، به مدیریت ارشد و هیئت مدیره گزارش می شوند. دو اصل مرتبط با بخش نظارت بر فعالیت ها به شرح زیر می باشند:

اصل شانزدهم: سازمان، بایستی ارزیابی های مداوم و/ یا جداگانه را در جهت تعیین اینکه آیا اجزای کنترل های داخلی به روز و کارا هستند، انتخاب، توسعه، و اجرا کند. همچنین باید میزان تغییرات در کسب و کار و فرآیندهای آن را هنگام انتخاب و توسعه ارزیابی های در حال انجام و جدا از هم در نظر گرفته شود و ارزیابی ها توسط افرادی که به اندازه کافی آگاه و دارای صلاحیت هستند صورت پذیرد. لازم به ذکر است که ارزیابی های جداگانه باید به صورت دوره ای به منظور ارائه بازخورد اهداف انجام شود.

40- Comparability

41- Verifiability

42- Timeliness

43- Understandability

44- Statement of Financial Accounting Concepts No. 8 – Pp 19-21

اصل هفدهم: سازمان، باید در صورت لزوم، کمبودهای کنترل داخلی مرتبط به افرادی که مسئول اقدامات اصلاحی هستند، از جمله مدیریت ارشد و هیئت مدیره را ارزیابی کند. نتایج ارزیابی های مذکور بایستی بررسی شده و هر گونه نقصی بلافاصله اصلاح شود. در نهایت، مدیریت باید پیگیری کند که آیا کمبودهای کشف شده به موقع اصلاح شده است یا خیر. چارچوب جدید کوزو، به طور کامل تر و مفصل تری استفاده از تکنولوژی و ارائه دهندگان خدمات برون سازمانی را تشریح کرده است. اصول مشروح فوق، به صورت خلاصه در جدول شماره ۱ ارائه شده است:

<p style="text-align: center;">محیط کنترلی</p>	<p>۱- سازمان نشان دهنده تعهد به صداقت و ارزش های اخلاقی است.</p> <p>۲- هیئت مدیره نشان دهنده استقلال از مدیریت و اعمال نظارت بر توسعه و عملکرد کنترل های داخلی است.</p> <p>۳- اقدامات مدیریت بایستی نظارت هیئت مدیره و ساختار و روشهای گزارشگری مناسب در دستیابی به اهداف باشند.</p> <p>۴- سازمان، متعهد به جذب، توسعه توانایی ها و حفظ افراد با صلاحیت در جهت رسیدن به اهداف مورد نظر است.</p> <p>۵- سازمان، افراد پاسخگو جهت مسئولیت شناسی های کنترل داخلی در جهت رسیدن به اهداف کنترل های داخلی، دارد.</p>
<p style="text-align: center;">ارزیابی ریسک</p>	<p>۶- سازمان، اهداف را با وضوح کافی برای توانایی شناسایی و ارزیابی خطرات مربوط به اهداف تعیین کند.</p> <p>۷- سازمان، بایستی خطرات دستیابی به اهداف خود را در سراسر سازمان شناسایی کرده و تجزیه و تحلیل این ریسکها را به عنوان یک اساس برای تعیین چگونگی مدیریت آنها، مورد توجه قرار دهد.</p> <p>۸- سازمان، بایستی تقلب بالقوه در ارزیابی ریسک دستیابی به اهداف را در نظر گیرد.</p> <p>۹- سازمان، تغییراتی که تأثیر طور قابل توجهی بر سیستم کنترل داخلی می تواند داشته باشد را شناسایی و ارزیابی می کند.</p>
<p style="text-align: center;">فعالیت های کنترلی</p>	<p>۱۰- سازمان، بایستی ضمن نظر قرار دادن تأثیر عوامل محیطی، عملیاتی و ویژگی های خاص سازمان، فعالیت های کنترلی را انتخاب کرده و توسعه دهد که به کاهش خطرات دستیابی به اهداف به سطح قابل قبول کمک کند.</p> <p>۱۱- سازمان، باید فن آوری و تکنولوژی فعالیت های کنترلی را برای حمایت از دستیابی به اهداف انتخاب کرده و توسعه دهد.</p> <p>۱۲- سازمان، بایستی فعالیت های کنترلی را از طریق ایجاد سیاست های واکنش به اتفاقات مورد انتظار و روش هایی که این سیاستها را عملی میکنند، مستقر کند.</p>
<p style="text-align: center;">اطلاعات و ارتباطات</p>	<p>۱۳- سازمان، بایستی اطلاعات مربوط و با کیفیت مورد نیاز در جهت حمایت از عملکرد کنترل داخلی را به دست آورده یا تولید کند و قادر به شناسایی اطلاعات مورد نیاز نیز باشد.</p> <p>۱۴- اطلاعات مرتبط داخلی سازمان، از جمله اهداف و مسئولیت پذیری های کنترل داخلی، برای حمایت از عملکرد کنترل داخلی مورد نیاز هستند.</p> <p>۱۵- سازمان، با افراد برون سازمانی در مورد مسائل مؤثر بر عملکرد کنترل داخلی در ارتباط است.</p>
<p style="text-align: center;">فعالیت های نظارتی</p>	<p>۱۶- سازمان، بایستی ارزیابی های مداوم و / یا جداگانه را در جهت تعیین اینکه آیا اجزای کنترلهای داخلی به روز و کارا هستند را انتخاب، توسعه، و اجرا کند.</p> <p>۱۷- سازمان، باید در صورت لزوم، کمبودهای کنترل داخلی مرتبط به افرادی که مشول اقدامات اصلاحی هستند، از جمله مدیریت ارشد و هیئت مدیره را ارزیابی کند.</p>

جدول شماره ۱: خلاصه ۱۷ اصل مربوط به اجزای اصلی کوزو [۹]

در پایان، مقایسه تفاوت های مهم رویکرد شناسایی، ارزیابی و مستند سازی کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی (با استفاده از پرسشنامه های استاندارد کنترل داخلی) با رویکرد کوزو مفید به نظر می رسد. (یادداشت های حرفه ای-موسسه حسابرسی و مشاوره فردا پدید^{۴۵}):

الف- با استفاده از رویکرد کوزو، بر خلاف روش سنتی شناسایی، ارزیابی و مستند سازی کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی (به کمک تکمیل پرسشنامه های استاندارد کنترل های داخلی و ثبت سیستم از طریق شرح سیستم یا نمودار گردش عملیات)، کلیه عملیات در کاربرگی تحت عنوان "کاربرگ ارزیابی ریسک فعالیت مورد نظر" منعکس می گردد و نیازی به ثبت سیستم از طریق "شرح یا رسم نمودار گردش عملیات" بطور جداگانه نیست.

ب- استفاده از رویکرد کوزو، منتج به شناسایی عوامل ریسک دستیابی به اهداف فعالیت های مهم مورد نظر به صورت عینی می شود. در حالی که رویکرد سنتی مندرج در بند الف، حتی عوامل ریسک مرتبط با ادعاهای مدیریت در مورد گزارشگری مالی را نیز مشخص نمی کند.

پ- رویکرد کوزو قادر به شناسایی، ارزیابی و مستند سازی کنترل های داخلی مرتبط با فعالیت های با ماهیت متفاوت می باشد. درحالی که رویکرد سنتی مندرج در بند الف، صرفاً در مورد کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی کاربرد دارد.

ت- باعنایت به مطالب مندرج در بندهای الف تا پ فوق، صرفاً با استفاده از رویکرد کوزو، شناسایی، مستند سازی و ارزیابی کنترل های مرتبط با کلیه فعالیت های مهم مورد نظر "باماهیت های متفاوت" امکانپذیر است. به عبارت دیگر با استفاده از روش سنتی مندرج در بند الف فوق، ارزیابی ریسک فعالیت های مهم بنگاه تحت هیچ شرایطی امکان پذیر نیست.

ث- استفاده از رویکرد کوزو، زمینه لازم برای مدیریت ریسک بنگاه (ERM^{۴۶}) را فراهم می کند.

45- <http://www.fardapadid.com/?page=specreader&pg=50>

46- Enterprise risk management

ج- رعایت استانداردهای بین المللی حسابرسی داخلی (IIA^{۴۷}) در مورد ارزیابی فرایندهای نظام راهبری، مدیریت ریسک و کنترل، مستلزم استفاده از رویکرد کوزو است.

بحث و نتیجه گیری

در ایران، نقطه عطف تاریخی در حوزه کنترل های داخلی و حسابرسی آن، در ابتدای سال ۱۳۹۱ با تصویب الزام شرکت های بورسی به گزارش ارزیابی کنترل های داخلی صورت پذیرفت. اگرچه بسیاری از مدیران عامل و ارشد سازمان ها آشنایی چندانی با این گزارش ندارند، وجود الزام قانونی، آن ها را ملزم به فراگیری حداقل های قانونی تعبیه شده در دستورالعمل کنترل های داخلی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران کرده است و بنابراین اهمیت بکارگیری سیستم های کنترل داخلی بر اساس کوزو، بیش از پیش نمایان شده است. اهمیت طراحی، اجراء و بکارگیری کنترل های داخلی، با توجه به عدم امکان نظارت مستقیم و یا تمام وقت قابل قبول بر امور اداری و مالی واحدهای تجاری، غیر قابل انکار است و این مهم با استفاده از چارچوبی برای سیستم کنترل های داخلی قابل اعمال می باشد. به رغم وجود سیستم های متفاوت ارائه شده، چارچوب یکپارچه کنترل های داخلی کوزو، که به طور مستمر به روز رسانی شده و آخرین مورد آن در سال ۲۰۱۳ صورت پذیرفته، سازمان را در ارزیابی ریسک تجاری و جلوگیری این خطرات و پیشگیری از سوء استفاده از منابع سازمانی یاری می نماید.

47- Institute of Internal Auditors

منابع

۱. غلامرضایی، محسن و منصور مافی. (۱۳۹۴). فرآیند ارزیابی کنترل داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در رویکردی یکپارچه با حسابرسی مالی. **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، سال چهارم، شماره سیزدهم.
۲. کثیری، حسین. (۱۳۹۲). راهنمای شناخت و ارزیابی اثر بخشی سیستم کنترل داخلی (در سطح سازمانی). **تهران: موسسه حسابرسی هوشیار ممیز**.
۳. کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، (۱۳۸۹). **استاندارد های حسابرسی**. چاپ دهم. تهران: سازمان حسابرسی.
۴. ولاشانی، محمد علی، جهانبانی، مصطفی و سمیه ظفرزاده. (۱۳۹۲). ارائه مدلی تجربی برای پیاده سازی و بکارگیری حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک در ایران، **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، سال دوم، شماره ششم.
5. Basel Committee on Banking Supervision, (1998). Framework for internal control systems in banking organizations". Pp 13.
<http://www.bis.org/press/p980922a.htm>

6. Chorafas, Dimitris N. (2007). Strategic Business Planning for Accountants: Methods, Tools and Case Studies, **CIMA Publishing is an imprint of Elsevier**, First Edition.
7. Committee on Sponsoring Organization of the Treadway Commission (COSO), Internal Control Integrated Framework", **COSO Report**, 1994, Pp. 1-163.
8. Committee on Sponsoring Organization of the Treadway Commission (COSO), Internal Control Integrated Framework, **COSO Report**, 2012, Pp. 1-150.
9. D'Aquila, J. (2013). "COSO's Internal Control-Integrated Framework". **The CPA Journal**. Vol October. Pp, 24-31.
10. Minnesota management & budge. (2012). "Guide to risk assessment and control activities- revision". p 20. <http://www.beta.mmb.state.mn.us/>
11. Rezaee, Zabihollah, (1995). "What the COSO report means for internal auditors", **Managerial Auditing Journal**, Vol. 10 Iss: 6, Pp.5 - 9.
12. Skogstad Aamo, B. (2004), "The Regulator's Role in the governance of Norwegian banks", available on www.finanstilsynet.no/archive/stab_word/01/04/11052017.doc

13. Woods, Margaret; Peter Kajüter and PhilipLinsley. (2008). International Risk Management: Systems, Internal Control and Corporate Governance, **CIMA Publishing is an imprint of Elsevier**, First Edition.

Review the importance of implementation internal control system based on the COSO framework

Abstract

Indirect control of organizational operations and avoid senior managers of all activities of the business units, has caused management to establish an effective internal control as an integral component of efficient management systems, effective corporate governance and management stewardship fulfill. In fact, in any organization and institution, felt an urgent need to the internal control. According to type and level of activities, internal control will be different. The lack of this controls, avoid organization achieving the goals. For internal controls, various systems are designed and presented that these cases have always their own strengths and weaknesses. In terms of comprehensiveness, effectiveness and extension of the application, the most and the best known of the internal control system, is the designed model of the Committee of Sponsoring Organizations of the Teadway commission, that known as COSO. In this paper, due to the comprehensiveness of integrated framework of internal controls provided by COSO, we investigate the importance of its application and become more familiar to the concepts and principles of this system.

Keywords: Internal Control, COSO, Enterprise Risk, Internal Control Framework